

جایگزین های سلب آزادی و برآورد ترازنامه اجرای آنها در حقوق فرانسه

پرفسور ژان - ایولاسال*
ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

مقدمه

کیفر سالب آزادی قبل از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه در حقوق کیفری این کشور جایگاهی نداشته، زیرا مجازاتهای معمول عمدتاً بدنی بوده است که از آن جمله می‌توان به کیفر مرگ در اشکال اجرایی مختلف آن، داغ کردن، شلاق، ... اشاره کرد. لیکن سلب آزادی جنبه تأمینی داشته و به منظور در دسترس بودن متهم برای تحقیقات و محاکمه اعمال می‌شده است. در جریان انقلاب فرانسه و پس از آن، آزادی - در کنار برابری و برادری - به عنوان یک ارزش انقلابی بسیار مهم و حیاتی که باید مورد حمایت قانون نیز قرار گیرد، مورد توجه قرار گرفت و بدین سان، سلب قانونی آزادی از انسان بزهکار، به عنوان کیفر اصلی و رایج، وارد حقوق فرانسه شد، که البته در کنار آن کیفر نقدی نیز وجود داشته است.

* آقای Jean-Yves LASSALLE استاد و مدیر مؤسسه علوم کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه اکس - مarse (فرانسه) می‌باشد. م.

لیکن با گذشت زمان دو دسته عوامل سبب شدند تا جنبش تحدید موارد قرار و محکومیت سالب آزادی و کاهش مدت اقامت در زندان از طریق یافتن جایگزین‌هایی برای آن، نه فقط در فرانسه بلکه در سطح سایر کشورهای اروپایی، آغاز شود. عوامل دسته نخست در ارتباط با جرم‌زا بودن محیط زندان، به‌ویژه برای بزهکاران بی‌سابقه، ایجاد انقطاع شغلی - خانوادگی برای بزهکار زندانی و مشکلاتی روانی - مالی که بدین‌سان برای خود او و خانواده‌اش به‌وجود می‌آید و بالاخره تکرار جرم است. مطالعاتی که اخیراً در مورد جرم‌زا بودن زندان در فرانسه انجام شده است نشان می‌دهد که معمولاً حدود پنجاه درصد (۴۹/۷٪) زندانیانی که آزاد می‌شوند، به‌طور متوسط چهار سال بعد دوباره مرتکب جرم می‌شوند. عوامل دسته دوم^۱ در ارتباط با تورم جمعیت کیفری فرانسه است. پایین‌ترین نرخ تورم در این زمینه که مربوط به قبل از سال ۱۹۹۹ می‌باشد حاکی از آن است که برای هر صد نفر زندانی در فرانسه، نه نفر زندانی اضافی در زندانها نگهداری می‌شوند که اگر بخواهیم این نرخ را روزآمد کنیم بیشتر هم خواهد بود. در همین مقوله باید افزود که به ازای هر هزار نفر نه نفر زندانی در فرانسه وجود دارد، یعنی نرخ زندانی کردن متهمان و محکومان توسط قضات، نه در هزار است.^۲

اما در خصوص جانشین‌های سلب آزادی در حقوق کیفری دو سیاست یا روش معمول است؛ در روش نخست سعی می‌شود مدت سلب

۱. بدیهی است باید عامل اقتصادی و هزینه بالای نگهداری زندانیان و اداره زندان‌ها را نیز جزو علل آغاز جنبش زندان زدایی محسوب نمود.

۲. گفتمنی است که جمعیت فرانسه اکنون بالغ بر شصت میلیون است.

آزادی، یعنی اقامت فرد در زندان به عنوان متهم یا بزهکار، کاهش داده شود. در این چارچوب می‌توان، به‌عنوان نمونه، از آزادی مشروط، زندان نیمه وقت، عفو عمومی و عفو خصوصی یا نظارت بزهکار از طریق مچ‌بندهای الکترونیکی یاد کرد که بر مچ دست متهم نصب می‌شود و مأمور زندان یا کلانتری محل می‌تواند بدین وسیله حرکات و جابجایی او را در محل و شعاع معینی که خارج از بازداشتگاه تعیین شده است کنترل نماید. در روش یا سیاست دوم که موضوع بحث ما را تشکیل می‌دهد، سعی بر آن است که تا حد امکان متهم یا بزهکار وارد زندان نشود و بدین ترتیب از تعداد «ساکنان» زندانها کاسته شود. جایگزین‌های سلب آزادی در واقع از نظر جلوگیری از ورود متهمان و محکومان به محیط بازداشتگاه و زندان - و نه از نظر کاهش مدت حضور آنان در مؤسسات زندان - قابل توجه است.

موضوع بحث کنفرانس امروز را در دو گفتار بررسی و ارائه می‌کنیم؛ ابتدا در گفتار نخست، انواع جایگزین‌های سلب آزادی در حقوق فرانسه شمارش و توصیف می‌شوند؛ سپس در گفتار دوم به سنجش (ارزیابی) ترازنامه این جایگزین‌ها خواهیم پرداخت.

گفتار نخست

جایگزین‌های سلب آزادی در حقوق کیفری فرانسه

جایگزین‌های سلب آزادی در دو مرحله قبل از محاکمه (دادسرا) و بعد از محاکمه (دادگاه) قابل تصور است.

۱- همان‌گونه که می‌دانیم یکی از قرارهای تأمینی معمول در آیین دادرسی کیفری که در حقوق فرانسه نیز وجود دارد قرار بازداشت احتیاطی یا قرار بازداشت موقت است. از آنجا که قضات تحقیق و بازپرسان فرانسوی متمایل به استفاده زیاد از این قرار بودند، قانونگذار از حدود سی سال پیش در مقام کاهش تدریجی اختیارات آنان در صدور قرار مزبور برآمده است. نخستین قانونی که در سال ۱۹۷۰ در این مورد وضع شد، «قرار کنترل قضایی» را به وجود آورد که به موجب آن متهم آزاد باقی می‌ماند، لیکن تا زمان محاکمه، تحت کنترل و نظارت قضایی - به شرحی که در قرار در قالب تکالیف مثبت و منفی تعیین می‌شود - خواهد بود. بدین ترتیب اگر متهم مثلاً از هواداران فوتبال است و اتهام وی در ارتباط با جرم از نوع جنحه است، مکلف می‌شود که در روزهایی که مسابقات مهم فوتبال برگزار می‌شود، در همان ساعت مسابقه، به کلابتری تعیین شده، رجوع نموده و دفتری را امضا کند. بدین ترتیب، وی از رفتن به ورزشگاه محروم می‌شود و زمینه ارتکاب جرم و خشونت جدید برای او از میان می‌رود.^۲

قانونگذار فرانسوی در قالب بیست قانون اصلاحی دیگر نیز سعی بر تحدید قرار بازداشت احتیاطی کرده است که به‌طور خلاصه به مهمترین آنها اشاره می‌شود: بازپرس مکلف است چرایی صدور قرار بازداشت موقت را مستنداً در قرار ذکر و مشخص کند؛ بازپرس مکلف است برای صدور قرار مزبور به مدت مجازات حبس جرم ارتكابی توجه نماید، در این

۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد کنترل قضایی در حقوق فرانسه رک. استفانی، لوسور و بولک، آیین دادرسی کیفری، دو جلد، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷. م.

چارچوب به موجب آخرین اصلاحیه قانونی، بازپرس نمی تواند برای جرایمی که مدت حبس آنها زیر سه سال است قرار بازداشت صادر نماید؛ مدت قرار بازداشت نیز معین است، به طوری که در انقضای آن مدت بازپرس مکلف است قرار را تبدیل نماید.

قانونگذار فرانسه طی قانونی در ژوئن ۲۰۰۰ در کنار بازپرس، مقام قضایی دیگری را در دادسرا ایجاد نمود که «قاضی آزادی‌ها» نام دارد. از این پس، بازپرس تحقیقات را انجام می دهد و قاضی آزادی‌ها با توجه به پرونده تشکیل شده و تحقیقات بازپرس، قرار مناسب را صادر می نماید. بدیهی است نقش و تأثیر این قاضی در کاهش جمعیت متهمان در بازداشتگاهها در سال‌های آینده قابل ارزیابی خواهد بود. به موجب آمار سال ۱۹۹۹ تعداد ۲۰۳۵۲ متهم در زندان‌های فرانسه نگهداری می شده‌اند. در میان متهمان، دو گروه وجود دارند. گروه نخست که بالغ بر ۱۸۳۰۰ نفر می شود «متهمان واقعی» هستند زیرا در انتظار محاکمه به سر می برند. گروه دوم که اقلیتی را تشکیل می دهند، در انتظار صدور حکم پژوهشی یا نتیجه فرجام خواهی می باشند.

اما، عمده بحث امروز ما درباره جایگزین‌های کیفر سالب آزادی، به عنوان کیفر اصلی است که در مرحله دوم فرایند کیفری، یعنی محاکمه متهم، مطرح می شود.

۲- قانونگذار فرانسوی از دیرباز امکانات چندی را در اختیار قاضی دادگاه قرار داده است تا بتواند به روش‌های مختلف از اجرای محکومیت حبس یا توسل به کیفر سالب آزادی جلوگیری کند. نخستین امکان، تعلیق

ساده اجرای محکومیت سالب آزادی است که ساز و کار شناخته شده‌ای برای اجتناب از اجرای حبس است. تعلیق به موجب قانونی در سال ۱۸۸۱ وارد حقوق فرانسه گردید که می‌توان آن را از جمله دستاوردهای جرم‌شناسی تلقی کرد. روش و امکان دیگر برای جایگزینی حبس، تعلیق آزمایشی محکومیت سالب آزادی است که قانونگذار با اقتباس از حقوق انگلستان آن را در سال ۱۹۵۸ وارد حقوق کیفری فرانسه نمود. در این نوع تعلیق، محکوم باید یک سلسله تکالیفی را که قاضی برای او در دوره تعلیق تعیین می‌کند رعایت نماید.^۴ در این دو روش، هدف در واقع اجتناب از اجرای محکومیت حبس صادره در حکم است که در نهایت از تورم جمعیت کیفری جلوگیری می‌نماید، اما در عین حال مجازات حبس همواره بر محکوم «سنگینی» می‌کند، بدین معنی که هر آن که در دوره تعلیق مرتکب جرم جدیدی گردد یا تکالیف تعیین شده را انجام ندهد، قاضی محکومیت وی را به اجرا می‌گذارد.

اما از سال ۱۹۷۵ به این سو، قانونگذار فرانسوی سه کیفر را به تدریج به عنوان کیفر جایگزین حبس وارد حقوق کیفری این کشور نموده است که قاضی از آنها به‌عنوان مجازات اصلی نسبت به مجرمان استفاده می‌کند. ابتدا باید به کیفرهای سالب حقوق یا محدودکننده حقوق اشاره کرد که به‌موجب آن پاره‌ای از حقوق محکوم سلب یا در زمان و مکان محدود می‌شود؛ مثل ضبط گواهی‌نامه رانندگی، ضبط دسته چک، محرومیت از شرکت در انتخابات که یک حق شهروندی است، ضبط وسیله جرم،

۴. برای اطلاعات بیشتر در مورد انواع تعلیق رک. بولسک (برنار)، کیفرشناسی، ترجمه ع.ح. نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۷۷.م.

ضبط اموال مربوط به جرم، ضبط پروانه شکار یا ماهیگیری... سپس باید از کیفر خدمات عمومی (عام المنفعه) نام برد که به موجب قانونی در سال ۱۹۸۳ وارد حقوق فرانسه شد. فلسفه این کیفر در واقع کمک به جامعه پذیر شدن محکوم و آشنا شدن او با مسایل و نیازهای جامعه - به ویژه پس از ارتکاب جرم - است. قاضی برای صدور حکم انجام خدمات عمومی، باید رضایت محکوم را جلب نماید، به طوری که خدمت یا کار تعیین شده در حکم، جنبه تحمیلی، اجباری یا بیگاری نداشته باشد. بدیهی است در صورت عدم رضایت مجرم، وی به حبس محکوم می شود. مدت و ساعات کار تابع شدت جرم، شخصیت بزهکار و نظر بزه دیده است. به عنوان مثال، شخصی که مرتکب ویران گری (واندالیسم) یا تخریب اموال افراد می گردد، مکلف می شود که مال تخریب شده را مرمت کند، یا اگر مرتکب دیوارنویسی (شعارنویسی) و نقاشی های مستهجن روی دیوار خانه یا خودرو افراد شده است، مکلف می شود که آن دیوار یا خودرو را پاک و تعمیر نماید... سرانجام باید به کیفر نقدی روزانه یا جریمه تقسیطی اشاره کرد که قانونگذار فرانسوی آن را از حقوق کشورهای اسکاندیناوی اقتباس کرده است. قاضی، با توجه به استطاعت مالی بزهکار، تعداد افراد تحت تکفل او، درآمد و بدهی ها و مطالبات وی و شدت جرم ارتکابی، کیفر نقدی را تقسیط می نماید. بدیهی است فلسفه روزهای جزایی یا جریمه نقدی روزانه این است که به خانواده بزهکاران فشار و محدودیت مالی زیادی وارد نشود، ضمن این که اجرای این مجازات به صورت روزانه تذکر و

تنبهی در زمان برای آنها محسوب می‌شود.^۵

بدین ترتیب قانونگذار فرانسوی، به ویژه از حدود سه دهه پیش، با تدارک و پیش بینی اقدامها و کیفرهای غیرسالب آزادی این امکان را برای قاضی فراهم نموده است که کمتر به سلب آزادی، چه در مقام صدور قرار و چه در مقام صدور حکم محکومیت، متوسل شود تا از این طریق جمعیت زندانها و بازداشتگاهها کاهش یابد. لیکن، اکنون باید بررسی کرد که آیا این سیاست نتیجه بخش بوده است؟

گفتار دوم

سنجش و ارزیابی ترازنامه جایگزین های سلب آزادی

در این گفتار می‌خواهیم ببینیم که این جایگزین‌ها تا چه اندازه مورد توجه قضات قرار گرفته‌اند، و تا چه میزان در احکام صادره، بدیلی برای کیفر حبس بوده‌اند؟ به عنوان یادآوری باید گفت که در حقوق فرانسه جرایم به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌شوند. کیفر سالب آزادی از زمان تصویب قانون جزای جدید فرانسه (۱۹۹۲) شامل جرایم خلافی نمی‌شود، بلکه کیفر اصلی در مورد این گونه جرایم جریمه یا مجازات نقدی است. کیفر مرگ در سال ۱۹۸۱ از زرادخانه کیفری فرانسه حذف شد، بنابراین کیفر سالب آزادی به عنوان شدیدترین مجازات اصلی نسبت به

۵. برای اطلاعات تفصیلی در مورد کیفرهای جایگزین حبس رک. استفانی، لواسور و بولک، حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷، بولک (برنار)، کیفرشناسی، همان منبع.

مرتکبان جنایت اعمال می گردد. بدین ترتیب بحث جایگزینی در مورد جرایم جنایی متصور نیست. اما در زمینه جرایم جنحه‌ای از نوع خفیف که مجازات حبس آنها کمتر از سه سال است، (یعنی در واقع حبس‌های کوتاه مدت) قاضی به کیفرهای جانشین متوسل می‌شود.

در اول ژانویه ۱۹۹۹، تعداد محکومانی که به لحاظ ارتکاب جرایم جنحه‌ای در زندانهای فرانسه نگهداری می‌شده‌اند ۲۵۰۰۰ نفر بوده است. از میان این تعداد، ۱۴۵۷۰ نفر آنها به حبس زیر سه سال محکوم شده بودند. هدف از سیاست جایگزینی در مرحله محاکمه این است که از تعداد اخیر کاسته شود.

۱- اما در مرحله دادسرا: جمعیت متهمان در بازداشتگاههای فرانسه در سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۳۱۰۰۰ نفر، در سال ۱۹۸۹ بالغ بر ۲۵۸۳۱ نفر و سرانجام در سال ۱۹۹۸ این رقم ۲۵۵۱۲ نفر بوده است. بدین ترتیب از سال ۱۹۸۲ تعداد قرارهای بازداشت به تدریج کم شده است، به طوری که رقم سال ۱۹۹۸ نسبت به رقم ۱۹۸۲ کاهشی حدود ۶۰۰۰ را نشان می‌دهد.

اما در همین مدت، یعنی بین ۱۹۸۲ و ۱۹۹۸، بر تعداد قرارهای کنترل قضایی به طور منظم افزوده شده است: در سال ۱۹۸۲، این تعداد ۱۹۳۹۰ فقره، در سال ۱۹۸۹ این تعداد ۱۹۳۹۹ مورد و بالاخره در سال ۱۹۹۸ این تعداد به ۲۳۰۶۴ مورد افزایش پیدا کرده است، یعنی نسبت به سال ۱۹۸۲ افزایشی برابر با حدود سه هزار مورد قرار کنترل قضایی.

در بادی امر از آمارهای ارائه شده می‌توان چنین استنباط کرد که ورود «کنترل قضایی» به حقوق فرانسه سبب شده است که بازپرسان و

قضات تحقیق به جای قرار بازداشت از قرار کنترل قضایی استفاده کنند و بدین سان از جمعیت متهمان بازداشتی کاسته شده است. اما تحقیقات انجام شده نشان داد که محدود شدن تقنینی اختیارات بازپرسان در صدور قرار بازداشت احتیاطی علت عمده کاهش صدور این نوع قرار است و کنترل قضایی تأثیری فرعی بر این روند داشته است، زیرا براساس نتایج همین تحقیقات، بازپرسان با کسب امکان صدور قرار کنترل قضایی، این ساز و کار را از روی احتیاط نسبت به متهمانی به کار می‌برند که تا قبل از ورود این تأسیس در حقوق فرانسه، آنها را مشمول قرارهای ساده غیرسالب آزادی می‌کرده‌اند. بدین ترتیب قرار کنترل قضایی بیشتر برای رفع نگرانی بازپرسان و داشتن تضمینات کافی از متهم صادر می‌شود و نه لزوماً به عنوان جانشین قرار بازداشت احتیاطی. در هر حال تردیدی نیست که تحت تأثیر اقدام‌های تقنینی محدودکننده اختیارات دادسرا در زمینه صدور قرار بازداشت و سپس کنترل قضایی، از تعداد متهمان در بازداشتگاههای فرانسه کاسته شده است.

۲- اما در مرحله محاکمه: در سال ۱۹۸۴، تعداد احکام حبس صادره ۱۱۵۳۹۰ فقره بوده است که در سال ۱۹۹۸ به ۹۹۳۲۶ فقره کاهش پیدا کرده است، یعنی کاهشی حدود ده هزار مورد محکومیت سالب آزادی. در همین مدت مشاهده می‌شود که روی هم رفته تعداد تعلیق‌های آزمایشی حبس و کیفر خدمات عمومی حدود سه برابر شده است، حال آن که قضات کمتر به صدور جریمه روزانه اقدام کرده‌اند، زیرا این کیفر نیاز به تشکیل «پرونده مالی» متهم دارد و قاضی باید براساس جنبه‌های مختلف

این پرونده، قسط های روزانه را محاسبه نماید. این امر با سنت قضایی هنوز بیگانه است. از جانشین های دیگر حبس، مثل ضبط یا تعلیق گواهی نامه رانندگی یا ضبط پروانه شکار نیز، با توجه به نوع جرم یا شغل متهم، استفاده شده است.^۶

نتیجه گیری

تردید نیست که کیفر حبس - به ویژه کیفرهای سالب آزادی کوتاه مدت - در انجام رسالت بازپروری و اصلاح بزهکاران موفق نبوده است و حتی تا حدی زمینه های تکرار جرم را نیز فراهم کرده است. از سوی دیگر، این کیفر و به طور کلی سلب آزادی از نظر اقتصادی برای جامعه گران تمام می شود. تنها فایده مهم زندان، سلب محض آزادی بزهکاران و دور نگهداشتن آنان برای مدتی از جامعه است. بدین ترتیب کیفر حبس عمدتاً رسالت اخلاقی خود را که همانا مکافات دادن مجرم و انتقام گرفتن از او به لحاظ خطای اخلاقی (جرم) ارتكابی است، انجام داده است.

بدیهی است در خصوص رسالت اخیر کیفرها، می توان از کیفرهای جایگزین که آثار زیان بار انسانی - جرم شناختی - اقتصادی کمتری برای بزهکاران، خانواده های آنان و جامعه دارند استفاده کرد.

۶. گفتنی است که جمعیت فرانسه در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۶۰ میلیون نفر بوده است. در همین سال (اول ژانویه ۱۹۹۹) جمعیت کیفری فرانسه ۴۹۶۶۰ نفر بوده که ۱۹۲۰۰ نفر از آنها متهم و ۳۰۴۶۰ نفر دیگر به عنوان محکوم در زندان به سر می برده اند.

قانونگذار فرانسه از سی سال پیش در همین چارچوب اقداماتی کرده است و قضات فرانسوی نیز به تدریج با سیاهه و استفاده از کیفرهای جدید خو می‌گیرند. لیکن باید گفت که کیفر حبس کماکان در ذهنیت قضایی - پلیسی - اجتماعی فرانسه، به عنوان «کیفر واقعی» تکانه (شوک) دهنده مطرح می‌باشد. به همین جهت است که، به‌رغم پیش‌بینی جایگزین‌های متنوعی برای سلب آزادی از متهم یا محکوم در حقوق فرانسه، جمعیت کیفری فرانسه در این مدت به طور قابل توجه و در حد انتظار کاهش نیافته است.

